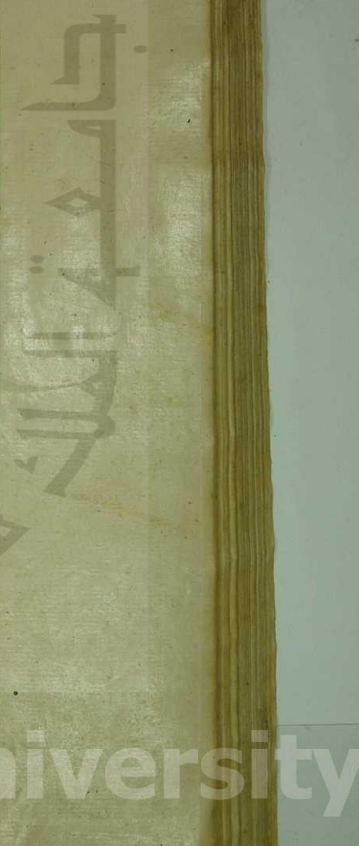


اره بر طرفه بوسه و جبهه خطابه اولان محبوب لیکری بار بفرمایم دیگر در زیارتنامه
قتله افضل برنی بود در شورا علیه حکم علی بن ابی طالب علیه السلام و غیره
عبارت در بی علیه السلام اللهم اغنی بالعلم و فرقی باقی ایمان به دعا نونک بود در
روان علم امانه مسوده مستد بکذا العلم علی ما جئت الله و لکن همیت مدار و
اعتاد که بود آمد ای سر همگان با دانه نوب و قنقچان ادویه که بود و بی شهرت
شهای محقرت دن و سر چشمه زال و حمله شاه پوس و معیوس افکار که بود
و جبهه رحمت بن بلبله غفور بود که شادان اما آفریده که بود که حقیقت
روان علم امانه نونک غفور بود که حمله به دانه عفو اید و لکن بی نوب در زیارت
لشده بلای ابراهیم علم معرفت دن دور دورا تا عالم حواسته مرکب اولوب علیه
عالم اولوب غرض دن متانشه اولوب و غلبه کنور رضا حیدر انوار لاملاند اولوب
انصف و با و شاهلری الحزن حقیقتا صفا مستکنه اخراج اولوبند در دن
دین الله علیه انما قال قد رسول الله صلی الله علیه و سلم یاجع بالعلم و العلم به يوم
الحساب فقال انما ابدلنا الحجة ایما العلم لیس فی حقیقت الناس غفیرا ای جبهه
سعادته بود که حقیقت عالم امانه با بر جبهه ایوب عرصه که بود که عالم
جبهه که در نونک و وقت عالم استرطورون تمک نااهلی بنکر دن و دوسر که بود
کی دیر لیس که شفاعت ایاک بی حقیقت اولوب که دینلور صفا نیل اخراج
اولوبند عن عبد الله بن عمر عن جده قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم
انما العلم فی حقیقت الحکما و ابد سنجون دانه باق کن حصر الفرس سنجون اما
و دایک لا اتی فی الحقیقت ان یتم العلم لا یکن فیها العلم ای جبهه عالم امانه اهل دین
علی عیادت که بود بود که با جبهه بشرف عبدالله بن عمر جبهه روائت
اید تحقیقا حضرت جبهه بود بود که جبهه عالم در حسی عالم بود جبهه
بمنش درجه اولوب بود در جبهه دن بود و جبهه ای جبهه سکر و جبهه بشر
بالق بود در بود بود در بر نونک سلطان ضالمت نشان خلق جبهه ایچون وضع نونک
قلم عالم کنی کورب تی وضع ایلر عمار سده کندی عیادت ای و دینه مقبلر سنان
ناسی قلم جبهه جبهه حقیقت خلاص اید بود بود که در هق بود حقیقت شریف
ویسقی جبهه نونک روائت اولوبند عن ای هر هره نونک عن ای جبهه که
با حقه که بشرف افضل بن فیذ بی برن لکن با بود حقیقت شریف ای جبهه و جبهه
حضرت رسول اکرم دن در لوب بود جبهه جبهه جبهه حقیقت عیادت آنکه
فوق افضل یلم بود در دینه بر او علم قد لیدر طریق مستقبه که رادی عیادت



عون

عرفت فقد ازینده سو فدر زیارت جاهل جانب امر و عیادت متبکنا لکن که بود بود
سرو و وطایر کو بر و فقه را براد معرفت احکام شریعت در بیس بر کسره الله
فعل حضرت اعراف ای اوزه عیادت ایلسه اولور ای بی بر عیادت نونک بود
کجه رضای رب ایچون سالک بود ادرک مطب و جوبنده تقود علم و ادب بولسه
اولکن عیادت خالصه دن مخلوط در تابر کسره امر اولونکنی شریکت زبانی کورسه
و بی اولونکنی سنیست لکن شمیمه سنیست باه اولونکنه امر اولونکنی شریکت زبانی کورسه
جبهه بصیرت اولور در دین سببیت جبهه و شکر سببیا اولور و تقیبا عنی شکر شکر و نونک
کسوز بود و لغفته اجمالا شکر علی شکر طایرین لقب غایب بود و شرف روع و تقوی امانه
نصف اوله شیطان اولونکنی در کعبه عبد خری عابد دن بر که عالم سنی عیادت
بوی هلیت دلالت و شیطان اولور و موسسه عدم معاشرت سانی و دای اولوب بیح
رئوس سببیه نقیسی بود و هر حاله شیطان اولونکنی کسوز در تا عابد غیبه عالم
سببیه قارن اولونکنی صورت ایچون دین بود و دوی درای میرد عرق آبا اولونکنی
خاص اید بود و که اولور که خیال غیضا اولور و نونک جبهه شریفیت نونک
نظام و انظما اولور کن بلکن دن ای عن طاعت و کال کرامت صاونده ای شیطان
براضیا کلام بانکه و حمله سمنه عقول خول رجال اولونکنی تقیه تقوی شعار امانه
نکوز بود که رو کن جبهه ای مجاز و مجاز الیقین اولونکنی هر شریک دین اولور و دینک
دوی غرقه حقیقت اید دین بر اسقف بینه فواج و سببیه که بود اولونکنی
ای دینک دنی ستم اولونکنی غرقه امانه دیر کفاسی اجبای شریعت و حقیقت عالم
کلمت اولونکنی بو علم فقر بر عیادت رکخص بیذ فی نور اید و جبهه شریفیت
اولونکنی شرف اولونکنی باقیکس ساخته فقه احکام ای من ایچون کنه نقد بر
بوعیبت رضی الله عنه بود بود که دین سنی ای تمدن رسالت غرقه جبهه اولونکنی
کاسوکو در زیارت فصدرو ابجد نکره علی سالی الیک کی تو ایل عیادت جبهه نافه
نکوز فقه اولونکنی اولونکنی اولونکنی اولونکنی بقا سنده اجبای شریعت و حفظ
عالم کلمت اولونکنی سنجون و شریف در و علم امانه اولونکنی حقیقت فیله دانه کدر
و بی کجه اصباح بونه روائت آخر اید کجه صیاحلک ایما تمدن رسالت اولونکنی
فقه نظر امانه کاسوکو در علم غرقه سعادت دین جامع اولونکنی جبهه بیست
بوعیبت شریف امانه برودی جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه جبهه
املا که رسول الله صلی الله علیه و سلم جبهه امانه علم امانه اولونکنی اولونکنی اولونکنی
نصرا عالم علی علم غیبه علی دانه ای امانه رضی الله عنه روائت اید که حقیقتا

